



۲۰۱۸/۰۳/۰۷

جليل غنى هروى

تقدیر از زن افغان این آزاده اسیر

برای تقدیر از زن، که به نام این موجود مهربان هشتم مارچ روز بین المللی زن نامگذاری شده مراتب تیریک و تهنیت خود را به خصوص به زنان رنج کشیده، صادق، با وقار و حیثیت افغانستان که شرافتمندانه زیسته اند و شجاعانه در دفاع از حقوق مشروع و انفکاک ناپذیر شان قدم کرده اند و علم مبارزه را بر افراشته نگهداشته اند، تقدیم میدارم .

به مناسبت این روز خجسته و برای تمجید و تقدیر از مقام زن، بجاست که از اثری نام بگیریم که در هفته های قبل به دسترس علاقمندان قرار گرفت. این اثر «شاعران آزاد در قفس از رابعه بلخی تا نادیا انجمن» است که جناب داکتر محمد شعیب مجددی با قبول زحمت فراوان و با وصف کمبود و دسترسی به منابع، نگاشته اند و با قطع و صحافت زیبا در دو صد و سی و پنج صفحه توسط انجمن «دیار دارا» و بنیاد خیریه دوکتور محمد عثمان نورزائی "غوریانی" در هرات باستان نشر گردیده است. این اثر بر زوایای مختلف شاعران آزاد در قفس پرداخته و علل محدودیت ها و قیوداتی را که این آزادگان رنج مقابله با آن را کشیده اند و هیچگاهی هم از این مبارزه و آزادی خواهی خسته نشده اند، به بررسی گرفته است. این فصول شامل محتوای پر بار اشعار این شاعران، تفاوت مرد و زن در عرف و فرهنگ، دیدگاه ادیان پیرامون مقام و ارزش زن، مقام و ارزش زن از دیدگاه اسلام و مطالب جالب دیگری است که بر زوایای مختلف حیات پُر مشقت زن آزاده و با درد تماس گرفته است.

نظری بر گزاره های فرهنگی، که پژواک فریاد شاعران آزاد، این پیشتازان ادب و فرهنگ جامعه افغانستان است، با تأملی کوتاه بر این اثر، درین مختصر و تقدیر و تمجید از زن افغان مورد بحث است.

زَنَم که نالَه من خفته در گلوی من است

زَنَم که شام سیه صبح آرزوی من است

زَنَم که نعره من در سکوت حسرت مرد

مزار سینه، جلو دار، های و هوی من است

دو بیتي از یک غزل از امجد رضائی یکی از این آزادگان اسیر که بیانگر احساس زن و شکایت او از قیودات حاکم بر زن در افغانستان است.

مجموع تجارب و مشخصات فردی و گروهی، فرهنگ همان جامعه است که دارای ارکان و مرکبات گوناگون است و این محدودیت ها بر زن افغان ناشی از فرهنگ حاکم بر جامعه است. برای روشن شدن موضوع بهتر است نخست نظر مختصری داشته باشیم بر تعریف فرهنگ.

" فرهنگ مجموع روش ها، عنعنات و اعتقاداتی است که یک گروه را از گروه دیگر متمایز میسازد. فرهنگ از طریق زبان، اشیای مادی، مناسک مذهبی، نهاد ها، و آرت (هنر) از نسلی به نسلی انتقال می یابد"

«شاعران آزاد در قفس» درد زن افغان را از محدودیت های گوناگون فرهنگی، شکایت ها و حکایت ها و پرخاش ها و قیام را در برابر استبداد گزاره های ناپسند و مغایر ارزشهای انسانی و اسلامی فرهنگ، باز گو میکند

در این اثر سعی شده این گوشه های ناپسند رسم و رواج ها و عنعنات و عرف ها و باور ها را از اشعار آنانی که به معرفی گرفته شده اند، انعکاس داده شود که عمیقاً قابل تقدیر است.

گذشته از آن بر خلاف سایر مجموعه های که قبلاً در معرفی شاعران زن نشر شده است، درین اثر سعی شده تا حد امکان محیط زندگی و شرایط فرهنگی و قیوداتی که بر شاعر وضع شده بود و هنوز هم این قیودات حاکم است، تشریح گردد که مزیت خاصی به این اثر می دهد. در صفحه 13 می خوانیم: (مهربی هروی هم دوره شاهرخ میرزا که به یقین شاعر توانا، با فضل و علم می باشد در رباعی حالات و زندگی زن متمول که مال و منال دارد، اما حقوق و آزادی را تجربه کرده نمی تواند، به شکل احسن تمثیل می کند):

در خانه تو آنچه مرا شاید، نیست
بندی ز دل رمیده بگشاید، نیست
گوئی همه چیز دارم از مال و منال
آری همه هست، آنچه می باید نیست

زن با شهامت افغان در همه عرصه های زندگی با وصف این همه قیودات و محدودیت ها و نا بسامانی ها، تسلیم شرایط نشده و به هر نحوی که بوده مبارزه برای حقوق زن افغان را ترک نکرده و از راه قلم، به خصوص با سرودن اشعار و بلند نمودن ندای حقیقت، به این پیکار در برابر نا برابری های جنسی، ستم مرد سالاری در جامعه غیر مدنی حاکم، ادامه داده است که به گفته جناب داکتر شعیب مجددی « کم لطفی خواهد بود که مهر صحه بر این حقیقت ننزیم که شاعران زن معاصر چنان تقدس گونه شهامت زنانه را به تجربه کشیده اند که باید با افتخار بر حرکت، نهضت مقاومت، مبارزه، جان نثاری و جان فدائی شان تهنیت و مبارکباد گفت»

قسمتی از این شعر راحله یار که در این اثر آمده نوای پرخاش و دعوت به مبارزه را بلند کرده است:

هم صدا! بر خیز کاخ آرزو هایت شکست
قامت کاج و بلندای تماشا سیت شکست
دخترت بر سر، بساط شعله بر پا کرده است
حاصل عمر عزیزت سوخت، فردایت شکست
با دروغ دین و فریاد تساوی، خُریت
هر کسی با حيله ای نو، دست یا پایت شکست

و نادیا انجمن شاعره نا مرادی که به جرم بیان احساس او را شهید می سازند فریاد می زند

من نه آن بید ضعیفم که ز هر باد بلرزم
دُخت افغانم و بر جاست که دایم به فغانم

افغانستان یک جامعه کثیرالنژاد است و نهاد و گزاره های فرهنگی هم حتی در فاصله کمتر از یکصد کیلو متری، متفاوت است. آنچه در قسمتی از جامعه قابل پذیرش و مروج است، در بخشی دیگر نا پسند و حتی غیر قابل قبول است. ترکیب اجتماعی افغانستان یکی دیگر از مباحث جالب جامعه شناسی و فرهنگ شناسی و تحقیق درین زمینه است که امید است فرهنگیان آگاه و محققین و پژوهشگران فرهنگی در شناخت و اصلاح بعضی از چنین روش ها همت گمارند. اما حتی همین اکنون هم با تعبیر های گوناگون و بعضاً نا درستی که از باور های فرهنگی و اعتقادی می شود، هر گونه ظلم و ستم را بر زن، جسماً نا توان ولی با روح بزرگ و بردبار، روا می دارند.

زن، این جنس لطیف و مهربان را، این مادر عزیز و برده بار را، این موجودی که خدای بزرگ بهشت را در زیر پای قرار داده است «سیاه سر»، «ناقص العقل»، «عاجزه»، «ضعیفه»، و القاب دیگری داده اند که نمادی از تفکر ناقص و بر داشت نا درست از باور ها، روایات و میراث های عتیقه است که در گذشته ها بر این

د یانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ

جامعه وارد و تحمیل شده است و متبازل ساختن این نا رسائی ها یکی از خصیصه های «شاعران آزاد در قفس» است

دو بیته از یک غزل لینا روزبه

در چشم های من غم فردا نهفته است
در قلب من ز درد، گل سنگ شگفته است
آری منم سیاه سر دوران تار تو
ناقص و نیمه، نصف تو ام، در تبار تو

تحقیر و تعجیز و محکوم نمودن زن در هر گناه و نا رسائی و هر عمل نا پسندی که بعضی از مرد ها در جامعهٔ مرد سالار در افغانستان عزیز میکنند، یک امر عادی و طبعی و قبول شده پنداشته می شود.

لینا روز به حیدری شاعرهٔ توانا، این پدیدهٔ شوم را عالی به تصویر کشیده است:

مرا بکش! که ،نهایت بلی همین باشد
بله، تمام گناه از زن لعین باشد
مرا بکش و ببر مرده را به کوه خُرا
بگو که نسل زن از ابتدا چنین باشد

بخش دیگری که جناب مجددی در «شاعران آزاد در قفس» به آن پرداخته و آنرا به نیکویی بر رسی و توضیح کرده اند، آزادی شاعران زن در بیان احساس زنانه و حق عاشق شدن و دوست داشتن است که حتی در همان آوانیکه برادر، خواهرش، رابعه را، به گناه دوست داشتن رگ می بُرد و می گذارد در حمام جان سپارد، تا همین اکنون که در قرن بیست و یکم زندگی می کنیم، در بسیاری بخش های جامعهٔ افغانستان، دوست داشتن از مسایلی است که در برابر آن حساسیت های سختی وجود دارد و فرهنگ مرد سالار حاکم، آنرا حرام و نا پسند و ممنوع می داند، و از موضوعاتی است که کمتر بحث بر آن دیده شده و به اصطلاح در شمار تابو ها یا موضوعات غیر قابل مطرح نمودن، قرار دارد. نادیا انجمن را به همین جرم بیان احساس به دیار نیستی فرستادند. مگر شعر بیان احساس نیست؟

نمونه های زیادی از شاعران معاصر و متقدم را در بیان احساس زنانه و عاشق شدن و دوست داشتن در «شاعران آزاد در قفس» می بینیم. بطور مثال مهری هروی معاصر شاهرخ میرزا صد ها سال قبل در یک رباعی گفت. نقل از «شاعران آزاد در قفس»

شوی زن نو جوان، اگر پیر بود
چون پیر شود، همیشه دلگیر بود
آری مثل است آن که گویند زنان
در پهلوی زن، تیر به از پیر بود

و شعر دیگری از مهر انگیز ساحل که می گوید:

رها شوم به تنت، همچو بوی شب بو ها
هوای شاخه ی آغوش و لمس نسترنم
حضور باغ تنم می کشد ترا در بر
ببوس از کف پا تا به سر همهٔ بدنم

هدف از آوردن این نمونه ها نشان دادن تفکر فرهنگی، و یا انقیاد در چنان تفکری است که حتی روشنفکر و قلم به دستان بیرون از افغانستان هم از توهم چنین انقیادی خارج شده نتوانستند و هنوز هم گزاره های انقیاد

د پانو شمیره: له3تر4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

فرهنگی بر افکار نسلی که حتی بیرون از افغانستان رو به انقراض است، حاکم است. چنانچه شاعر نامدار و پرتوان عصر، بهار سعید، را به جرم بیان احساس با نشر دیوانش در سال 1994 محکوم نمودند بخشی از یک شعر بهار سعید و ابراز احساس این شاعره توانا:

بیا مرا بتراش، این تنم به دستانت
به بت سرای دلت، در شبان رویائی
بیا مرا به تراش، تا سحر مرا به تراش
به لمس و بوسه و ناز و نیاز و زیبایی

روش ها و عنعنات حاکم بر جامعه افغانستان ایجاب تحقیق و روشنگری را می کند. آیا در افغانستان با تاریخ مدون و کهن سه هزار ساله چنین فرهنگی حاکم بوده و یا تغییرات کلی بر آن وارد و یا تحمیل شده است؟ تاثیر پذیری فرهنگ اصیل و کهن این مرز و بوم از همجواری و تعاملات و تهاجمات منطقوی و بیرونی تا چه حد بوده است؟

چه تغییراتی در چه زمانی توسط کدام منابع و یا حکومت ها و یا تهاجمات گوناگونی که منطقه با آن مواجه بوده، وارد شده است؟

با این مختصر بار دیگر این روز خُجسته را به عموم زنان جهان و به خصوص به زنان با شهامت افغانستان که در چهل سال گذشته با تمام تقدس زندگی، مبارزه و جان فشانی کرده و با نا ملایمات ساخته اند و فرزندان رشیدی با همه ای این مشکلات و نا بسامانی های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به جامعه تقدیم کرده اند، تبریک و تهنیت گفته و حمایت مردان شجاع و با همت و شرافتمند افغانستان را از این جنس لطیف و مهربان آرزو می کنم.

پایان

د پانو شمیره: له4تر4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ